

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن - المان

مرغ هوس

شرم و حیا ، تاکه گریزان نشد
چشم چرانی ، سوی خوبان نشد
جامه اگر ، مانع خورشید تن
مشرقی ، جز چاک گریبان نشد
تیر نکه باز خلیدن گرفت
سینه مشبک ز حریفان نشد
مرغ هوس ، از در باز قفس
دانه ز تن چید و ، هراسان نشد
پیر ، جوان گشت و جوان نوجوان
حاجت داروی ، طبیبان نشد
محشری برپاست ، گشا چشم دل
مفت ، گران گشته و ارزان نشد
آتش سوزان حریر بدن
شعله ور از فسق ملایان نشد
پیکر و اندام ، کند جلوه ها
فرق ، میان گل و ریحان نشد
یک وجب از دور کمر ، بی حجاب

ناف ، نمایان شد و پنهان نشد
دامنِ خورشید ، بلندی گرفت
رفت به بالا و ، به پایان نشد
میوه شیرین نهالِ بدن
وای که عریان شد و لرزان نشد
زینتِ او ، حلقه و هم تابه ها
قصه ناف است و ز پستان نشد
تسمه باریکِ وفا ، سه طرف
صبر گریزان و به فرمان نشد
رفته به دورِ کمر از راست و چپ
تا وسطش درّه پغمان نشد
تونلِ تنویر ، شدی افتتاح
کوتلِ تقدیر ، چراغان نشد
راکت و خمپاره ز دیوار و در
فیر شد و خانه ویران نشد
دخترِ تزویر ، ز تقصیرِ ما
حامله گردیده و ، زایان نشد
زحمتِ بیهوده حکاک ، بین
سنگِ سیه ، لعلِ بدخشان نشد
« نعمت » اگر گفت ز رسمِ زمان
لافی زد و ، واردِ میدان نشد